

سرمایه اجتماعی ایرانیان در آئینه مذاکرات هسته‌ای و برجام

سعید صادقی جقه*

مقدمه

نوشتار حاضر تلاش می‌کند برجام را از منظر سرمایه اجتماعی مورد بررسی قرار دهد. برای انجام این کار، تلاش خواهد شد از رویدادها و روندهای مشاهده‌شده در جامعه ایرانی در ارتباط با مذاکرات هسته‌ای و برجام به مثابه شاخص‌هایی برای ترسیم وضعیت کنونی سرمایه اجتماعی در ایران بهره گرفته و برخی از ابعاد سرمایه اجتماعی در ایران از این طریق روشن‌تر شود. در عین حال، نقش برخی کارکردهای آشکار و پنهان مذاکرات هسته‌ای و دستیابی به برجام، سازوکار تصمیم‌گیری در داخل نظام سیاسی ایران، اعلام مواضع گروه‌های مرجع و نیز مشارکت شهروندان در مباحث مربوطه در تقویت یا تضعیف سرمایه اجتماعی در کشور مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در این میان لازم است نکته‌ای را یادآور شویم که اگرچه بدیهی می‌نماید، اما در فهم منطق و روش بررسی حاضر بسیار مؤثر خواهد بود. تردیدی نیست که موضوعاتی نظیر سرمایه اجتماعی جایی در میان اهداف آشکار و پنهان مذاکرات هسته‌ای و برجام نداشته، اما دستاوردها، کارکردها، کژکارکردها و هزینه‌های ضمنی و پنهان، جزو پیامدهای اجتناب‌ناپذیر هر سیاستی به شمار می‌رود. همان‌طور که جامعه‌شناسانی نظیر رابرت مرتن اشاره کرده‌اند، اگر کارکردهای آشکار خودآگاه و سودمند بدانیم، در آن صورت، کارکردهای پنهان را باید ناخودآگاه و سودمند و کژکارکردها را نیز ناخودآگاه، ناخواسته و مضر بدانیم. با این وصف و چون مذاکرات هسته‌ای و برجام نیز در کنار کارکردهای آشکار و سودمند خود، مجموعه‌ای از کارکردها و پیامدهای پنهان نیز داشته‌اند، در این مطلب با استفاده از رویکرد کلی کارکردگرایانه، برخی از آن‌ها در ارتباط با سرمایه اجتماعی بررسی خواهد شد.

چارچوب مفهومی و تعاریف

سرمایه اجتماعی جزو آن دسته از مفاهیم جامعه‌شناختی هستند که به‌رغم گذشت بیش از یک قرن از طرح و بسط اولیه آن توسط فیلسوفان اجتماعی نظیر لیدا هنیفان^۱، آلکسیس دوتوکویل و جان دیویی (Farr, 2004) و کاربست متأخرتر آن در تحلیل شرایط جوامع مختلف از سوی جامعه‌شناسانی نظیر بوردیو، کلمن و پاتنام، نه تنها رو به ضعف نگذاشته، بلکه در دو دهه اخیر توجه بسیاری از جامعه‌شناسان و سیاست‌گذاران را به خود جلب کرده؛ به طوری که در عرض سال‌های اخیر میزان پژوهش‌ها، کتاب‌ها و مقالات دانشگاهی مرتبط با سرمایه اجتماعی، همواره در حال افزایش بوده و نسبت به دهه‌های آخر قرن بیستم، ده‌ها برابر شده است (Adam and Rankevich, 2003). با اینکه تا کنون تعریفی یگانه و فراگیر از سرمایه اجتماعی ارائه نشده و این مفهوم در سطوح مختلف خانوادگی، محله‌ای، منطقه‌ای و ملی تعاریف خاص خود را پیدا کرده، اما می‌توان گفت همه این تعاریف از روح و جوهر مشابهی برخوردارند. این روح و جوهر مشابه عبارت است از شبکه‌های جامعه‌پذیری و ارتباطی رسمی و غیررسمی، فهم مشترک و پایبندی به هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، مشارکت اجتماعی و سیاسی و اعتماد عمومی.

سرمایه اجتماعی در عرصه اقتصاد با کاهش هزینه مبادله، در عرصه سیاست با تسهیل کارکرد نهادها و در عرصه جامعه با تقویت هنجارها این زمینه را فراهم می‌آورد که افراد، گروه‌ها و دولت‌ها، اعتماددورزی کرده و به صورت کارآمدتری فعالیت کنند. مفهوم سرمایه اجتماعی در حال حاضر در بسیاری از حوزه‌های مطالعاتی، پژوهشی و سیاست‌گذاری کاربرد یافته که از آن جمله می‌توان به توسعه اجتماع محور، حکم‌رانی کارآمد، سازوکارهای کاهش فقر، ارتقاء شاخص‌های شادی و نیز تقویت پایبندی‌های مذهبی اشاره کرد (Haslam, 2013: 95). بدیهی است سرمایه اجتماعی همچنین با تقویت پایبندی اعضای اجتماع به هنجارها و ارزش‌های مشترک، زمینه ارتقاء امنیت اجتماعی و امنیت ملی را نیز فراهم می‌کند. در ادامه، با ارائه تعریفی مختصر از مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، تلاش خواهیم کرد با نگاهی اجمالی به وضعیت هر کدام از آن‌ها در ایران معاصر، ارتباط متقابل آن‌ها را با موضوع مذاکرات هسته‌ای و برجام مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم.

اعتماد؛ اعتماد مهم‌ترین رکن تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی در هر جامعه است. همان‌طور که آستروم^۲ و آحن^۳ (۲۰۰۹) اشاره می‌کنند، اعتماد و اعتماددورزی به مثابه پلی میان مؤلفه‌های مختلف سرمایه اجتماعی و کنش اجتماعی عمل می‌کند. با وجود اعتماد (در هر سطح مفروض) است که شهروندان می‌توانند (در آن سطح مفروض) کنش طرف مقابل را پیش‌بینی کرده و دست به عمل بزنند. در مقابل، اگر اعتمادپذیری در

1. Lyda Judson Hanifan

2. Elinor Ostrom

3. T.K. Ahn

سطح فردی مخدوش شده باشد، کنش‌های متقابل شهروندان در سطح فردی مختل شده و سوء ظن زیاد با افزایش هزینه عمل اجتماعی، تضعیف روابط اجتماعی را در پی می‌آورد. اگرچه تضعیف اعتماد در سطح فردی بسیار مهم بوده و حتماً باید از سوی سیاست‌گذاران و آسیب‌شناسان اجتماعی مورد بررسی و مقابله قرار گیرد؛ اما پیامدهای منفی مخدوش شدن اعتماد در سطح گروهی، حرفه‌ای و نهادی به مراتب بیشتر خواهد بود. این وضعیت در شرایطی رخ می‌دهد که اعتماد شهروندان به کارشناسان، متخصصان یا نهادهای ذی‌ربط تضعیف یا نابود شده باشد. اعتماد عمومی و نهادی به خاطر ویژگی ساختار جوامع مدرن، نقشی کلیدی در ایجاد و تقویت انسجام اجتماعی در میان ملت‌ها ایفا می‌کند.

اعتماد عمومی ترکیبی از اعتماد فردی و گروهی (درون‌گروهی و برون‌گروهی) شهروندان جامعه به افراد، نهادهای رسمی و نهادهای مدنی و غیررسمی در تمام شئون زندگی اجتماعی است و مواردی نظیر اعتماد به نخبگان (در حوزه‌های سیاسی، دینی، علمی، بهداشتی، ورزشی، ...)، اعتماد به نهادهای مدنی (سازمان‌های مردم‌نهاد، رسانه‌ها، ...)، اعتماد به سازمان‌های رسمی (نظام قضایی، پلیس، ...) و اعتماد نخبگان به همدیگر را شامل می‌شود. اکثر قریب به اتفاق جامعه‌شناسان و کارشناسان علوم سیاسی بر این عقیده‌اند که اعتماد عمومی تأثیر مستقیمی بر افزایش میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی، افزایش بهره‌وری و تقویت انسجام اجتماعی داشته و در نهایت، مشروعیت حکومت را افزایش می‌دهد. مشارکت؛ مشارکت شهروندان در امور مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، یکی دیگر از مهم‌ترین مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی است. این امر به اندازه‌ای اهمیت دارد که نظریه‌پرداز برجسته سرمایه اجتماعی، رابرت پاتنام، به روشنی در مصاحبه مشهور خود با مجله دموکراسی که تحت عنوان «بولینگ تک‌نفره: سرمایه اجتماعی رو به افول آمریکا» منتشر شد، در تبیین کاهش مشارکت سیاسی و نیز کاهش اعتماد به دولت در ایالات متحده اشاره کرده که سطوح زیاد سرمایه اجتماعی با سطوح زیاد مشارکت سیاسی ارتباط دارد (Putnam, 1995). وی در توضیح خود تأکید می‌کند که اگرچه این امر ممکن است ناشی از رسوایی‌ها و افشاگری‌های سیاسی دهه‌های گذشته باشد، اما در این میان مسئله قابل تأمل‌ترین است که کاهش مشارکت سیاسی آمریکاییان، با کاهش مشارکت مدنی آنان در همه عرصه‌های اجتماعی همراه بوده که به باور وی، آثار آن را می‌توان در کاهش اعضا یا کاهش فعالیت اعضای بسیاری از سازمان‌های مدنی و غیرانتفاعی نظیر گروه‌های مذهبی، اتحادیه‌های کارگری، انجمن‌های اولیا و مربیان، باشگاه‌های ورزشی و یا حتی فعالیت داوطلبانه در سازمان صلیب سرخ مشاهده کرد که همگی در مجموع به معنای کاهش سرمایه اجتماعی در ایالات متحده است.

روشن است که هرچه مشارکت داوطلبانه شهروندان در حوزه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بیشتر باشد، امکان و احتمال پاسخ‌گویی به نیازها نیز افزایش یافته و در کنار آن، هزینه‌های دولت‌داری نیز کاهش می‌یابد. عضویت فعال در شبکه‌های اجتماعی، پیگیری اخبار وقایع و مشارکت و

اظهار نظر در خصوص مسایل مبتلا به جامعه از جمله اشکال مشارکت به شمار می‌روند. بدیهی است به میزانی که شهروندان وابستگی بیشتر و تعلق قوی‌تری نسبت به جامعه خود داشته باشند، به همان میزان مشارکت فعالانه‌تری در شئون مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی از خود نشان خواهند داد.

شفافیت عملکرد، فساد اقتصادی و سیاسی؛ فساد اقتصادی عبارت است از نوعی خیانت در امانت یا سوء استفاده از اختیارات قانونی در جهت کسب منافع شخصی. زمینه بروز فساد اقتصادی هنگامی افزایش می‌یابد که برخی شهروندان از امتیازاتی برخوردار شوند که سایرین از آن محروم باشند. امتیازات انحصاری نیز هنگامی ایجاد می‌شوند که نظام سیاسی و اقتصادی نتواند به «غریبه»ها یا «غیرخودی»ها اعتماد کند و افراد مورد اعتماد صرفاً در حلقه‌ای کوچک خلاصه شوند. همان‌طور که اوسالتر در بحث خود از تبدیل اعتماد ویژه به فساد اقتصادی اشاره کرده (Uslaner, 2008)، اعتماد ویژه، به سرعت به ظهور افرادی می‌انجامد که خدمات ویژه‌ای انجام می‌دهند، اما به مرور زمان، همان افراد خود به «ویژه‌خواری» مشغول می‌شوند. این امر به معنای جریان یافتن منابع از عموم مردم به سمت افراد برگزیده و نیز افزایش بار مالی خدمات عمومی بردوش سایرین است که اغلب از طریق مالیات و سایر عوارض پرداخت می‌شود.

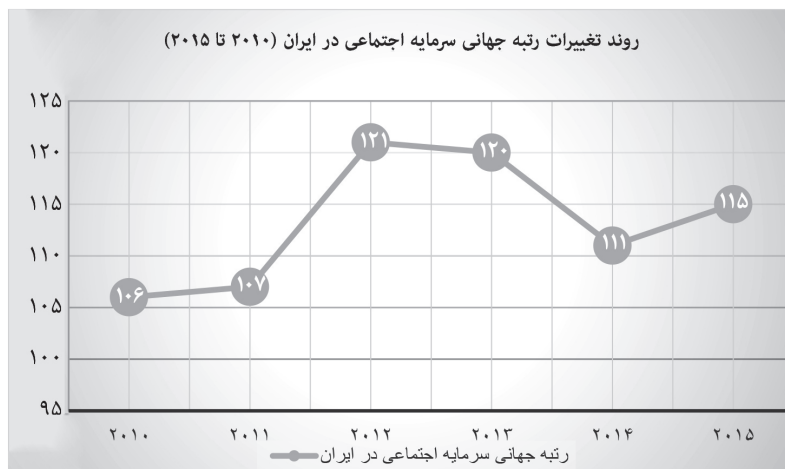
با رواج هرچه بیشتر فساد اقتصادی در جامعه، مردم اعتماد خود را به نظام سیاسی، نهادها و رهبران آن از دست داده و به این باور می‌رسند که فریبکاری تنها راه انجام کارها بوده و آن‌ها در صورتی که فعالیت‌های اقتصادی خود را شفاف انجام دهند، بازنده خواهند بود (Gambetta, 2002: 55). بدیهی است چنان تفکری، اعضای جامعه را به صورت فزاینده به سمت منفعت‌جویی انفرادی سوق داده و انسجام اجتماعی و حس تعلق به جامعه و کشور را در معرض تضعیف و نابودی قرار می‌دهد که این امر نیز مجدداً افراد بیشتری را درگیر می‌کند. فساد سیاسی و اقتصادی در اشکال مختلفی نظیر رشوه‌خواری، پارتی‌بازی، رفیق‌بازی، فامیل‌بازی، واسطه‌گری، پول‌شویی و اختلاس بروز می‌کند. در نتیجه‌گیری از تعاریف فوق می‌توان به‌طور خلاصه گفت مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی عبارتند از اعتماد عمومی، مشارکت اجتماعی و مدنی، انسجام اجتماعی، و شبکه‌های اجتماعی. در عین حال، چون مؤلفه‌های مزبور در فضایی غیررسمی شکل می‌گیرند، سنجش سرمایه اجتماعی همواره با دشواری و ابهام همراه است.

در بررسی حاضر تلاش خواهد شد برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی را در اشکال عملیاتی آن و با استفاده از شاخص‌هایی نظیر قانون‌گرایی، انسجام اجتماعی و اعتمادورزی عمومی (اعتماد به دولت، احزاب، کارشناسان)، احساس غرور ملی، امید به آینده، پایبندی به ارزش‌های اخلاقی و دینی (صداقت، وفای به عهد، اجتناب از تملق، دروغ‌گویی، ناسزا و خشونت کلامی) و عضویت فعالانه در شبکه‌های اجتماعی مورد سنجش قرار دهیم. در این میان و با توجه به فقدان یا کمبود گزارش‌های قابل اتکا درباره هر کدام از شاخص‌های مزبور، از داده‌های ضمنی و روش‌های تحلیلی برای بررسی آن دسته از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی که در ارتباط با مذاکرات هسته‌ای قرار داشته‌اند، استفاده خواهد شد.

نگاهی به وضعیت کلی سرمایه اجتماعی در ایران

با اینکه برخی مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی در ایران از طریق پژوهش‌های پراکنده دانشگاهی یا نظرسنجی‌های مقطعی و محدود مورد سنجش قرار گرفته‌اند، اما تا کنون هیچ پژوهش ملی در خصوص مفهوم سرمایه اجتماعی به مثابه یک کل و وضعیت آن در ایران انجام و یا دست کم نتایج آن منتشر نشده است. یکی از محدود منابعی که تصویری از سرمایه اجتماعی در ایران و رتبه جهانی آن به دست می‌دهد، رتبه‌بندی مؤسسه لگاتوم از شاخص رفاه کشورهای جهان است که به صورت سالانه منتشر شده و در آن، سرمایه اجتماعی نیز به عنوان یکی از عناصر سازنده شاخص رفاه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. نمودار (۱)، رتبه جهانی سرمایه اجتماعی در ایران را از دیدگاه مؤسسه نشان می‌دهد.

نمودار (۱) رتبه روند سرمایه اجتماعی در ایران



جدول بر اساس داده‌های مؤسسه لگاتوم ترسیم شده است (Legatum, 2015)

با توجه به نمودار، در عرض شش سال پی‌درپی که شاخص مزبور منتشر شده، رتبه ایران در سال ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ به شدت افت کرده و در سال ۲۰۱۴ تا حدودی بهبود یافته که علت افت را می‌توان مشکلات سیاسی داخلی ایران پس از انتخابات ۱۳۸۸ و نیز افزایش دشواری‌های اقتصادی به خاطر تشدید تحریم‌های ظالمانه بین‌المللی دید. علت بهبود سرمایه اجتماعی در سال ۲۰۱۴ را نیز می‌توان کاهش تنش‌های سیاسی داخلی و افزایش امیدواری عمومی نسبت به حل مشکلات اقتصادی از مذاکرات هسته‌ای در دولت یازدهم جستجو کرد.

شایان ذکر است که رتبه‌بندی‌هایی نظیر شاخص جهانی رفاه، بر اساس شاخص‌هایی انجام می‌شود که ممکن است برخی از آن‌ها با جامعه ایرانی تطبیق چندانی نداشته باشد؛ اما به نظر می‌رسد دست کم تا زمانی که سرمایه اجتماعی در ایران به صورت علمی و قابل اتکا مورد سنجش قرار نگیرد، چاره‌ای جز کاربرد توأم با احتیاط این رتبه‌بندی‌ها وجود ندارد. صرف نظر از رتبه‌بندی مزبور، در ادامه مطلب سعی می‌شود با استفاده از روش تحلیلی و استنتاجی، افت و خیزهای اصلی‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در ایران از خلال رویدادها و قرائن موجود در فضای اجتماعی و سیاسی کشور مورد بررسی قرار گیرد.

برجام و اعتماد عمومی و نهادی

اگرچه آمار دقیق، بهنگام و قابل دسترس از وضعیت اعتماد عمومی در ایران وجود ندارد، اما گزارش‌های پراکنده برخی پژوهش‌گران و مراکز مختلف مطالعاتی در سال‌های اخیر حاکی از این واقعیت است که میزان اعتماد عمومی در کشور نه تنها مطلوب نیست، بلکه هنگامی که برخی سازمان‌ها یا دواير دولتی را مد نظر داشته باشیم، نگران‌کننده نیز است. بر اساس نتایج تحقیقات مزبور، شاخص‌های اعتماد عمومی در کشور به طور کلی متوسط یا پایین بوده و جز برخی مقاطع زمانی خاص، روند کاهشی داشته است. از سوی دیگر، واقعیت این است که در سال‌های اخیر زندگی روزمره شهروندان به تدریج تحت تأثیر تحریم‌هایی قرار گرفت که بر سر برنامه هسته‌ای ایران وضع شدند. مردم، رسانه‌ها، کارشناسان و بسیاری از مسئولین در تجزیه و تحلیل علت غالب دشواری‌های اقتصادی و اجتماعی، سایه‌ای از تحریم‌های مزبور را می‌دیدند که در داخل و خارج کشور گریبان آن‌ها را گرفته و تمام شئون زندگی‌شان را اعم از امور درمانی، اقتصادی، پذیرش دانشجویی، تجارت بین‌المللی و... تحت تأثیر قرار می‌داد. بر اساس گزارش‌های مختلف، تحریم‌های اقتصادی با افزایش ۲۵ تا ۳۰ درصدی هزینه مبادلات موجب هدر رفتن سالانه حدود ۲۵ میلیارد دلار می‌شد (نک. ایوبی مهریزی، ۱۳۹۵؛ خوانساری، ۱۳۹۴). دشواری‌های مزبور به اندازه‌ای جدی شده بود که اکثر پاسخ‌گویان به نظرسنجی‌های انجام‌شده در دوران مذاکرات هسته‌ای، بر موافقت خود با توافق هسته‌ای تأکید می‌کردند.

به عنوان مثال، بر اساس نظرسنجی انجام‌شده توسط مؤسسه آی‌پوز در اواخر آبان، ۱۳۹۳ ۶۵ درصد پاسخ‌گویان موافق و فقط ۱۱ درصد مخالف دستیابی به توافق هسته‌ای بوده‌اند. موافقت یا مخالفت ۹ درصد نیز مشروط بوده و ۱۵ درصد نیز بدون نظر بوده‌اند. در همین نظرسنجی، ۵۴ درصد از پاسخ‌گویان از عملکرد دولت در مذاکرات راضی بوده و ۱۴ درصد نیز ناراضی بوده‌اند. از نظر ۱۰ درصد نیز عملکرد دولت متوسط بوده و ۲۲ درصد نیز بدون نظر بوده‌اند (آی‌پوز، ۱۳۹۳). در نظرسنجی دیگری که در اوایل خرداد ۱۳۹۴ توسط همین مؤسسه انجام شد، ۶۳ درصد پاسخ‌گویان موافق توافق، ۹ درصد مخالف و ۱۲ درصد نیز موافق مشروط بوده‌اند، در حالی که ۶ درصد نیز «سایر گزینه‌ها» را مد نظر داشته‌اند (آی‌پوز، خرداد

۱۳۹۴). در نظرسنجی دیگری که حدود سه ماه بعد و در اوایل شهریور ۱۳۹۴ انجام شد، میزان موافقان به ۷۶ درصد افزایش یافته و مخالفان نیز به ۳ درصد کاهش یافتند، در حالی که ۹ درصد موافق مشروط بوده و ۱۲ درصد نیز با «سایر گزینه‌ها» اعلام موافقت کردند (آی‌پوز، شهریور ۱۳۹۴).

جدول (۱): خلاصه نتایج نظرسنجی‌های آی‌پوز درباره نگاه ایرانیان به توافق هسته‌ای

سایر گزینه‌ها یا بی‌نظر	موافق / مخالف مشروط	مخالف	موافق	
٪۱۵	٪۹	٪۱۱	٪۶۵	۱۳۹۳ - آبان
٪۶	٪۱۲	٪۹	٪۶۳	۱۳۹۴ - خرداد
٪۱۲	٪۹	٪۳	٪۷۶	۱۳۹۴ - شهریور

برخی گروه‌های سیاسی رقیب دولت و مخالف توافق، در خصوص صحت یا دقت نظرسنجی‌های سایر مؤسسات مستقل یا نزدیک به دولت درباره میزان رضایت مردم از توافق هسته‌ای تردید داشتند. از این رو، در تیرماه ۱۳۹۴ نتایج نظرسنجی دیگری اعلام شد که بر اساس اعلام رسانه‌ها، توسط مؤسسه‌ای نزدیک به اصول‌گرایان انجام شده بود (عصر ایران، ۱۳۹۴). بر اساس نتایج نظرسنجی مزبور، حدود ۸۳ درصد مردم حامی توافق هسته‌ای و ۱۷ درصد نیز یا مخالف بودند یا از اظهار نظر خودداری کرده بودند. بر اساس همین نظرسنجی، نیمی از پاسخ‌گویان، توافق انجام‌شده و عملکرد تیم هسته‌ای را عالی و خیلی خوب توصیف کرده بودند. البته، ۱۸ درصد از پاسخ‌گویان نیز توافق هسته‌ای را در تضاد با منافع ملی دانسته و ۵۱ درصد نیز آن را در حد زیاد و خیلی زیاد در راستای منافع ملی می‌دانستند. ۲۷ درصد نیز آن را تا حدی در راستای منافع ملی دانسته بودند.

با این حال، و به رغم بهبود اعتماد نهادی به عنوان پیامدی از دستیابی به توافق هسته‌ای، موضوع بهبود وضعیت اقتصادی کشور پس از رفع تحریم‌ها یکی از مهم‌ترین آسیب‌پذیری‌های عنصر اعتماد بوده است. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، در سال‌های اخیر تحریم‌های ظالمانه علیه ایران موجب ایجاد یا تشدید بسیاری از کاستی‌های اقتصادی شد. اما نکته اینجاست که اولاً بخش عمده‌ای از ناکارآمدی‌های مدیریتی در کشور نیز به نادرست به موضوع تحریم‌ها گره زده شد و ثانیاً مقامات دولتی در مواضع خود از رفع کامل تحریم‌ها به موازات اجرای برجام خبر دادند. برای مثال، رئیس‌جمهور در صحبت‌های خود در مراسم روز ملی فناوری هسته‌ای ایران بر این نکته تأکید کرد که «ما هیچ توافقی را امضا نخواهیم کرد مگر آنکه در اولین روز اجرای توافق، تمامی تحریم‌های اقتصادی همان روز لغو شود» (انتخاب، خرداد ۱۳۹۴). واقعیت این است که مواضع و وعده‌ها در این مورد، انتظارات زیادی را در میان مردم ایجاد کرده؛

به طوری که قاطبه شهروندان با تصور ارتباط قوی میان رفع تحریم‌ها و رونق اقتصادی، انتظار داشته‌اند بلافاصله پس از اجرای توافق، شاهد رونق اقتصادی ملموس در کشور باشند، در حالی که این امر به خاطر سازوکارهای عمومی اقتصاد و نیز ساختار خاص اقتصاد ایران، دست کم در کوتاه‌مدت نمی‌تواند تحقق یابد که شاهد آن نیز مقاومت اولیه بازار بورس در برابر خبر دستیابی به توافق و حتی در پیش گرفتن سیر منفی شاخص بازار بورس در روزها و ماه‌های نخست پس از توافق بود (سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۳۹۴). با توجه به واقعیت‌های مزبور، برخی از مسئولین دولتی در روزهای پس از توافق سعی کردند برای مردم تصور واقعی‌تری از سازوکارهای اقتصاد ترسیم کرده و انتظارات آنان را تعدیل کنند، اما مسئله اینجاست که قانع کردن مردم برای فراموش کردن چیزی که تا چندی پیش به کرات از زبان مسئولین می‌شنیدند و پذیرفتن نظری متفاوت، کار دشواری بوده و اعتماد عمومی نسبت به مسئولین را تضعیف خواهد کرد.

در واقع، افکار عمومی علاوه بر غیراخلاقی دانستن این موضوع، نفس این کار را متضمن نوعی توهین به حافظه خود دانسته و اعتماد خود را به مسئولین از دست خواهند داد. در این خصوص، صرف نظر از عبارت معروف «چرخیدن زندگی مردم در کنار چرخیدن ساترئیفیوژها» که رئیس جمهور هنگام تبلیغات انتخاباتی خود مورد استفاده قرار داد، می‌توان به وعده‌های فراوانی اشاره کرد که از سوی مقامات مختلف دولتی در مناسبت‌های مختلف ایراد شده است. در برخی از این موارد، گروه‌های منتقد برجام ضمن سوء استفاده از بخشی از سخنان رئیس جمهور، انتظارات مردم را تشدید کرده‌اند که به عنوان نمونه‌ای از آن، می‌توان به سخنان ایشان در خصوص ارتباط تحریم‌ها با همه امور کشور (حتی مسائل زیست‌محیطی) اشاره کرد که رسانه‌های منتقد دولت با صرف نظر کردن از روح کلی صحبت‌های ایشان، به نقل از ایشان، بر حل مشکل آب پس از رفع تحریم‌ها تمرکز کردند (مهر، خرداد ۱۳۹۴- الف)؛ در حالی که همه ایرانیان تا چند سال پیش شاهد بودند که تحریم‌ها چه گستره وسیعی از زندگی روزمره آن‌ها را (از سوخت خودروها گرفته تا داروهای مربوط به بیماران خاص) تحت تأثیر قرار داده بود.

وجود موانع عمدی یا فرایندی در مسیر رفع تحریم‌ها و همچنین عدم اطلاع‌رسانی به افکار عمومی درباره این واقعیت که حتی در صورت اجرای صادقانه برجام از سوی کشورهای غربی، فقط تحریم‌های مرتبط با فعالیت هسته‌ای ایران رفع خواهد شد، می‌تواند به تدریج موجب ناامیدی مردم شده و آن‌ها را نسبت به وعده‌های دولت دچار سوء ظن کند. نشانه‌هایی از بروز این وضعیت در نظرسنجی مؤسسه ایران‌پل (Iranpoll, 2016) منعکس شده است. در حالی که یک سال پیش حدود ۶۲ درصد از ایرانیان بر این تصور بودند که با امضای برجام، تمام تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران رفع می‌شود، اکنون فقط ۲۳ درصد بر این باور باقی مانده‌اند؛ ضمن اینکه حدود ۷۴ درصد از ایرانیان بر این باور بوده‌اند که واشنگتن در پی جلوگیری از تجدید و تقویت روابط اقتصادی ایران با سایر کشورهاست. در این میان، رقبای سیاسی دولت و منتقدان برجام نیز از فضای ایجادشده استفاده کرده و تلاش می‌کنند جایگاه دولت در

افکار عمومی را متزلزل کنند. رسانه‌های منتقد دولت و برجام، بعضاً از باز نشر غیردقیق مطالب رسانه‌های خارجی نیز ابایی نداشته‌اند تا وضعیت اقتصادی ایران را نامطلوب و برجام را ناموفق جلوه دهند.

به علت عدم انتشار عمومی نظرسنجی‌های رسمی و قابل اتکا، نمی‌توان با اطمینان از وضعیت افکار عمومی ایرانیان نسبت به دوره پس‌ابرجام سخن گفت. با این حال، حتی اگر از رسانه‌ها و تریبون‌های گروه‌های مخالف یا منتقد برجام نیز صرف نظر کنیم، موضع‌گیری‌های افراد، گروه‌ها و کارشناسان حامی برجام حاکی از این است که به موازات عدم گشایش ملموس در برخی زمینه‌ها نظیر رفع تحریم‌ها، نشانه‌های بیشتری از نارضایتی نسبت به برجام مشاهده می‌شود که خواه ناخواه بخشی از این نارضایتی‌ها متوجه دولت یازدهم نیز خواهد شد. به عنوان مثال، اگرچه بر اساس همه نظرسنجی‌ها، اکثر ایرانیان در ماه‌های پس از امضای برجام به شدت نسبت به بهبود شرایط اقتصادی و جایگاه بین‌المللی ایران امیدوار بودند، اما یافته‌های یک نظرسنجی که مؤسسه ایران‌پل (Iranpoll, 2016) مستقر در کانادا در آستانه یک‌سالگی برجام (مرداد و تیر ۱۳۹۵) برای دانشگاه مریلند انجام داده، از شکل‌گیری نوعی از نارضایتی از نتایج برجام حکایت دارد. در این نظرسنجی، ۷۴ درصد از پاسخ‌گویان اظهار کرده‌اند که پس از برجام وضع اقتصادی‌شان بهتر نشده، هرچند ۶۶ درصد هنوز نسبت به آینده امیدوار بوده‌اند؛ گو اینکه این رقم در سال گذشته حدود ۷۵ درصد بوده است. همچنین، بر اساس گزارش این نظرسنجی، ۴۳ درصد از پاسخ‌گویان بر این باور بوده‌اند که حرکت اقتصادی کشور پس از برجام رو به بهبود است، در حالی که این رقم در زمان نظرسنجی قبلی، ۵۷ درصد بوده است. در مقابل، ۴۲ درصد نیز معتقد بوده‌اند که اوضاع اقتصادی کشور رو به وخامت است، در حالی که این میزان در نظرسنجی سال قبل ۲۹ درصد بود. در مجموع، و در میان پنج مورد نظرسنجی که این مؤسسه در خلال خرداد ۱۳۹۴ تا تیر ۱۳۹۵ انجام داده، در حال حاضر، نگرش مردم نسبت به آینده شرایط اقتصادی کشور در منفی‌ترین شرایط (در طول دوره نظرسنجی‌ها) قرار دارد. به همین دلیل است که حمایت از برجام از ۷۶ درصد در سال گذشته، اکنون به ۶۳ درصد کاهش یافته که با اینکه هنوز قابل توجه است، اما نسبت به سال گذشته ۱۳ درصد کاهش نشان می‌دهد.

بر اساس بخش دیگری از گزارش مزبور، پس از امضای برجام، ۶۱ درصد ایرانیان نگاه مثبتی نسبت به رئیس‌جمهور یازدهم داشتند، در حالی که این رقم اکنون با ۲۳ درصد کاهش، به ۳۸ درصد رسیده است. در حال حاضر ۴۵ درصد از ایرانیان با رأی مجدد به آقای روحانی موافقت در حالی که این میزان در سال گذشته، ۵۳/۴ درصد بوده است. سلف وی، یعنی آقای احمدی‌نژاد نیز نظر مثبت حدود ۳۷ درصد پاسخ‌گویان را با خود داشته که نسبت به سال گذشته ۱۰ درصد افزایش نشان می‌دهد. موضوعاتی نظیر انتظار بالای ایرانیان از توافق هسته‌ای و ناآگاهی عمومی از درک دشواری‌های موجود بر سر راه جلب سرمایه خارجی و ارتباط مجدد با اقتصاد جهانی می‌توانند از جمله دلایل کاهش امید ایرانیان به نتایج برجام باشند. در این میان لازم است به گزارش‌هایی نیز اشاره شود که در خصوص دریافت حقوق‌های نامتعارف در میان تعدادی از مدیران

بخش‌های بانکی و نیمه‌دولتی منتشر شد و گروه‌های رقیب دولت و مخالف برجام تلاش کردند از آن موضوع حداکثر استفاده را به عمل آورده و نارضایتی در میان مردم را تشدید نمایند.

تشتت آرا در سطح حاکمیت؛ عامل تضعیف اعتماد عمومی

اختلاف آرا در سطح حاکمیت از جمله مواردی است که می‌تواند سرمایه اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده و تضعیف کند. در سال‌های اخیر شاهد موارد متعددی از موضع‌گیری‌های مختلف یا متناقض بر سر برنامه هسته‌ای کشور بودیم که دامنه آن به مذاکرات هسته‌ای و سپس برجام نیز کشیده شد. با مروری در موضع‌گیری‌های فعالین سیاسی و مسئولین کشور که بعضاً عضو جناح‌های سیاسی نیز هستند، می‌توان تناقض‌هایی را مشاهده کرد که اعتماد عمومی را مخدوش می‌کند. واقعیت این است که توافق هسته‌ای با نظارت و ارشادات مقام معظم رهبری و سایر نهادهای مسئول نظام به دست آمده و مذاکره‌کنندگان چه در حین مذاکره و چه در فواصل هر مرحله از مذاکرات، گزارش‌های مربوطه را به نهادهای مسئول ارسال کرده و با استفاده از رهنمودهای آن‌ها، مذاکرات را به سرانجام رسانده‌اند. با این حال، و به‌رغم نظارت‌های عالی‌بر مذاکرات، دولت و تیم مذاکره‌کننده چه در هنگام مذاکرات و چه پس از توافق، آماج حملات افراد و گروه‌هایی بوده است که نتیجه مذاکره را مطلوب ارزیابی نمی‌کنند. نفس اظهار نظر در مورد مسائل مبتلابه جامعه امری پذیرفته‌شده و حتی از الزامات فضای سیاسی پویا است، اما این امر زمانی به تضعیف سرمایه اجتماعی می‌انجامد که اصول نقد رعایت نشود، نظریات شخصی افراد به حساب بزرگان نظام و یا نهادهای انقلابی و نظامی نوشته شود، و تمایزی میان مرحله اظهار نظر پیش از تصویب و مرحله اجرای برنامه‌ها گذاشته نشود. عدم پایبندی به اصول اخلاقی از سوی شخصیت‌ها و جناح‌های سیاسی و سوء استفاده از ارزش‌ها، از دیگر معضلاتی است که بعضاً در ارتباط با مذاکرات هسته‌ای و نقد برجام به چشم خورده؛ و قطعاً بر سرمایه اجتماعی در کشور تأثیر سوئی بر جای می‌گذارد. در روزها و هفته‌های پس از توافق، اعضای تیم مذاکره‌کننده سعی کردند ضمن برگزاری نشست‌های گوناگون با نمایندگان مجلس، دانشگاهیان، روحانیون، اهالی رسانه و کارشناسان روابط بین‌الملل، گزارشی از روند مذاکرات را ارائه کرده و جوانب مختلف توافق حاصله را برای آنها تبیین نمایند. اگرچه بسیاری از این جلسات پرثمر بود، اما در برخی موارد، شرکت‌کنندگان در جلسات مزبور با عدم رعایت سهوی یا عمدی بعضی اصول، جامعه را پریشان و نگران کردند. به عنوان مثال می‌توان به خطاب اهانت‌آمیز نسبت به وزیر امور خارجه از سوی یکی از نمایندگان در صحن علنی مجلس شورای اسلامی (تابناک، خرداد ۱۳۹۴) اشاره کرد. در موردی دیگر، یکی از نمایندگان مجلس نقل قولی از رئیس سازمان انرژی اتمی منتشر کرد که بر نامطلوب بودن توافق و امید به عدم اجرای آن تأکید داشت. در این میان یکی از روزنامه‌های معروف و متمایل به جناح اصول‌گرا نیز طی سرمقاله‌ای، با استناد به برخی سخنان مقام معظم رهبری، از عدم رضایت ایشان نسبت به مفاد توافق خبر داد. در این مطلب اگرچه

نقل قول مستقیمی از رهبر انقلاب وجود نداشت، اما این احساس به مخاطب القا می‌شد که در واقع نظر رهبری نیز همان است (شریعتمداری، ۱۳۹۴). انتشار این مطلب واکنش‌های بسیاری در برداشت که مهم‌ترین آن نامه سرگشاده مشاور فرهنگی فرمانده سپاه پاسدارن خطاب به مدیر مسئول روزنامه مزبور بود که از وی می‌خواست «در شرایطی که نیروهای انقلاب به یکپارچگی و وحدت نیاز دارند» از زبان رهبری سخن نگفته و تبیین مواضع ایشان را به خود ایشان یا پایگاه اطلاع‌رسانی رهبری محول نماید (مقدم‌فر، ۱۳۹۴). این موضع‌گیری از زبان یکی از مسئولین یک نهاد انقلابی، تا حدودی موجب آرامش جامعه شده و کار را برای برخی فعالین سیاسی که در صدد سوء استفاده از نام بزرگان نظام و یا نهادهای انقلابی برای طرح نظریات خود بودند، دشوار کرد.

در موردی دیگر، ادعای ضمنی برخی افراد و رسانه‌های منتقد برجسام در خصوص اثرگذاری دفتر مقام معظم رهبری در پیشبرد برجسام، دفتر ایشان را بر آن داشت که با انتشار اطلاعیه‌ای ضمن تأکید بر این نکته که «... مواضع معظم له در رابطه با این موضوع، صریح، شفاف و بدون تأویل در سخنرانی‌ها و فرمایشات ماه‌های اخیرشان» اعلام شده، انتساب هر مطلب خارج از چارچوب سخنرانی‌های مزبور را فاقد اعتبار اعلام نماید. از دیگر موارد القای ناکامی ایران در مذاکرات هسته‌ای می‌توان به تعدادی از روزنامه‌های مخالف دولت و منتقد برجسام نظیر رسالت، جوان، وطن امروز، کیهان و سیاست روز اشاره کرد که در تاریخ ۲۹ فروردین ۱۳۹۵ با برجسته‌کردن گلایه رئیس کل بانک مرکزی از کشورهای امضاکننده برجسام که در یک اجلاس خارجی اعلام شده بود، در اقدامی هماهنگ از عبارت «تقریباً هیچ» برای تیتراژ اصلی خود استفاده کردند.

توزیع نشریات و بولتن‌ها در حاشیه مراسم انقلابی و یا نماز جمعه‌ها در حمایت از یک جناح سیاسی یا موضوع جدلی‌ترین از دیگر مواردی است که به خاطر تناقض داشتن با فلسفه کلی این مراسم، پایگاه اجتماعی و قداست این‌گونه مراسم را نیز خدشه‌دار می‌کند. به عنوان مثال، در نماز جمعه تهران در تاریخ ۵ تیر ۱۳۹۴ نشریاتی توزیع شد که با تیتراژی نظیر «جام زهر ادامه دارد...»، «روحانیونی که با کفر صلح کردند!»، «پشت پرده توافق» و «وزیری که خواب آمریکا را می‌بیند!» به هجمه و انتقاد تند علیه تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای پرداخته بودند؛ در حالی که رهبر معظم انقلاب چند روز قبل از آن، در دیدار خود با کارگزاران نظام تیم مذاکره‌کننده را «امین، غیور، شجاع و متدین» نامیده بودند.

در این خصوص، همچنین می‌توان به درج مطالبی علیه وزیر امور خارجه در بروشوری اشاره کرد که در مراسم وداع با پیکر سردار شهید همدانی در دانشگاه بوعلی توزیع شد. در بخشی از این بروشور که توسط ستاد استقبال از این شهید توزیع می‌شد، در کنار عکسی از وزیر امور خارجه کشورمان و ایالات متحده، این جمله درج شده بود: «کسانی که با آمریکایی‌ها قدم می‌زنند شهدا آنان را شفاعت نمی‌کند» (جمهوری اسلامی، مهر ۱۳۹۴). در جریان مراسم تشییع شهدای غواص نیز که در میدان بهارستان تهران برگزار می‌شد و با استقبال غافل‌گیرکننده اقبال مختلف مردم همراه شده بود، یکی از مداحان معروف،

رئیس قوه مجریه را به بهانه اینکه کار مذاکره‌کنندگان هسته‌ای را با رشادت شهدا مقایسه کرده بود، با عباراتی اهانت‌آمیز مورد خطاب قرار داد که اگرچه این کار با واکنش منفی و گسترده شخصیت‌ها و طیف‌های مختلفی مواجه شد، اما تردیدی نیست که چنین اقداماتی موجب دل‌زده‌شدن اقشار مختلف اجتماعی از حضور در مراسم دینی و انقلابی می‌شود که نتیجه‌ای جز تضعیف انسجام اجتماعی را در پی ندارد (روزنامه ایران، خرداد ۱۳۹۴).

در این میان باید به عملکرد مطلوب اکثریت ائمه جمعه و جماعات، طیف گسترده‌ای از فعالان سیاسی و نیز تعداد زیادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی اشاره کرد که در دوره پیش از توافق، زمینه را برای افزایش قدرت چانه‌زنی تیم مذاکره‌کننده فراهم کرده و در دوره پس از توافق نیز ضمن نقد اصولی و منصفانه، یعنی همان چیزی که وزیر امور خارجه از منتقدین توافق خواسته بود، دستاوردهای توافق را برای جامعه تبیین کردند.

چالش برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی با برجام از دیگر مواردی بود که در بررسی اعتماد عمومی و برجام باید مورد توجه قرار گیرد. اکثریت داشتن مخالفان دولت یازدهم و منتقدین برجام در مجلس دهم، این نهاد قانون‌گذار را به یکی از خبرسازترین مراکز در خصوص برجام تبدیل کرد. از مهم‌ترین فرازهای فعالیت مجلس درباره برجام، می‌توان به ارائه طرحی سه‌فوریتی اشاره کرد که از مذاکره‌کنندگان ایرانی می‌خواست تا زمانی که کشورهای مذاکره‌کننده به تهدید ایران ادامه می‌دهند، از مذاکرات کنار بکشند. ارائه‌کنندگان طرح که از طیف مخالفان دولت بودند، به فرازی از بیانات رهبر معظم انقلاب اشاره می‌کردند که بر عدم پذیرش «مذاکره زیر شبح تهدید» اشاره داشت.

نمایندگان مخالف برجام، بار دیگر هنگامی خبرساز شدند که گزارشی را تحت عنوان نتیجه بررسی‌های کمیسیون ویژه برجام مجلس در صحن علنی قرائت کردند. پس از قرائت گزارش مزبور، تعدادی از نمایندگان عضو همان کمیسیون ضمن اظهار بی‌اطلاعی نسبت به گزارش مزبور، آن را صرفاً مواضع جناحی برخی از نمایندگان تندرو مجلس خواندند. رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس نهم، گزارش مزبور را منفی دانسته و قرائت آن را ضربه به کشور تلقی کرد (بروجردی، ۱۳۹۴) و امام جمعه تهران نیز در خطبه‌های خود ضمن تمجید از بررسی توأم با متانت برجام در مجلس، رویدادهای پس از بررسی آن را عجولانه و دور از شأن مجلس دانست (صدیقی، ۱۳۹۴). البته، در کنار ذکر مواردی که تا حدودی متزلزل‌کننده سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند، باید به برخورد برخی از نمایندگان مجلس نیز اشاره کرد که به رغم سوگیری سیاسی‌شان، اصول اخلاقی را در بررسی و نقد برجام مد نظر داشتند. مکاتبه یکی از نمایندگان برجسته اصول‌گرا و منتقد برجام با وزیر امور خارجه، یکی از موارد برجسته آن بود (توکلی و ظریف، ۱۳۹۴).

انتقادات بعضاً شامل عملکرد رسانه ملی نیز می‌شد که از دید برخی فعالان سیاسی و موافقان برجام، عملکرد آن در ارتباط با برجام، بی‌طرفانه ارزیابی نمی‌شد. این طیف از فعالان، مدعی بودند که رسانه

ملی با پخش گزارش‌ها، مصاحبه‌ها، و مستندهای پرشمار در پربیننده‌ترین زمان‌ها که حاوی تأکید بر نقاط ضعف برجام و عدم تأکید بر نقاط قوت آن است، در حال القای شکست مذاکرات و تبدیل امید مردم به یأس است. به عنوان مثال می‌توان به انتشار صحبت‌های یکی از اعضای تیم مذاکره‌کننده در جلسه غیرعلنی با مسئولان شورای خبر صدا و سیما اشاره کرد که البته پس از اعتراض شدید عضو مذاکرات هسته‌ای، بلافاصله از وبسایت رسانه ملی برداشته شد؛ هرچند، همان مدت اندک کافی بود که وبسایت‌های دیگر خبری آن را بازنشر نمایند (عراقچی، مرداد ۱۳۹۴).

مهم‌ترین دلیل توجیهی برای تسهیل فضای چندصدایی، افزایش قدرت چانه‌زنی مذاکره‌کنندگان بوده است، در حالی که اولاً باید توجه داشت که هم دیپلمات‌های ایرانی و هم دیپلمات‌های خارجی اطلاعات مبتنی بر محاسبات واقعی و نیز مؤلفه‌هایی نظیر شرایط منطقه‌ای و جهانی و نیز منافع ملی خودشان را مبنای چانه‌زنی‌های دیپلماتیک و سایر اقدامات خود قرار می‌دهند، نه اعلام مواضع دستجات سیاسی کشور رقیب را. این کشورها حتی در مواردی بسیار حساس، نظیر ورود به جنگ، به افکار عمومی داخلی‌شان توجهی نمی‌کنند، که نمونه آن در هجوم ایالات متحده و کشورهای ائتلاف به عراق در سال ۲۰۰۳ مشاهده شد. با اینکه موج مخالفت عمومی در اغلب کشورها به حدی بود که بیش از ۶۰۰ شهر دنیا به طور همزمان بزرگترین تجمع اعتراضی در تاریخ بشر را رقم زدند (Walgrave and Rucht, 2010)، ایالات متحده و کشورهای ائتلاف بدون توجه به این اعتراض‌ها، با حمله به عراق بحرانی را به وجود آوردند که تا کنون صدها هزار کشته و زخمی، و میلیون‌ها آواره بر جای گذاشته است. بنابراین، چنین نمایشی از تشمت آرا که لاجرم باید در بی‌نادیده‌گرفتن دستاوردهای خودی باشد (حتی اگر تظاهر صرف باشد)، از یک طرف کوچک‌ترین نقشی در افزایش قدرت چانه‌زنی‌های دیپلماتیک نداشته و از سوی دیگر، به تدریج در عمق افکار عمومی داخلی رسوخ کرده و آن‌ها را به این نتیجه رهنمون می‌شود که مجموعه مسئولین کشور به خاطر فقدان کفایت نتوانسته‌اند منافع کشور را در مذاکره با قدرت‌های جهانی به نحو شایسته‌ای تضمین نمایند.

رقابت‌های سیاسی داخلی از دیگر عوامل بروز تشمت آرا در خصوص مذاکرات هسته‌ای و برجام بوده است. واقعیت این است که پیشبرد مذاکرات هسته‌ای و دستیابی به برجام باعث تقویت موضع برخی گروه‌های سیاسی در ایران می‌شود و موفقیت یا عدم موفقیت آن در اجرا نیز پیامدهای سیاسی داخلی در پی خواهد داشت. بنابراین، قابل تصور است که هر کدام از جناح‌های سیاسی داخلی هنگام مواجهه با برجام، گوشه چشمی نیز به پیامدهای مزبور داشته و تلاش نمایند تا جای ممکن امکان بهره‌برداری رقیب سیاسی خود را از برجام به حداقل برسانند. در همین راستا، برخی از موافقان برجام در ارزیابی‌های خود، عملکرد تیم قبلی مذاکرات هسته‌ای را به طور کامل نفی کرده و از سوی دیگر، مخالفان برجام نیز سعی می‌کنند دستاوردهای برجام را به تلاش‌های تیم سابق هسته‌ای مربوط کنند. به عنوان مثالی در این زمینه می‌توان به اظهارات رئیس سابق تیم مذاکره‌کننده مبنی بر پذیرفته‌شدن حق غنی‌سازی ایران از سوی ایالات

متحده در گفتگوهای آلمانی اشاره کرد که رئیس سازمان انرژی اتمی در دولت یازدهم که به عنوان وزیر امور خارجه در دولت پیشین خدمت می‌کرد، ضمن رد صریح این ادعا، پذیرش حق غنی‌سازی ایران را به گفتگوهای انجام‌شده در مسقط مربوط دانست (صالحی، ۱۳۹۴). البته، در این میان مقامات ارشد دولتی سعی کردند در مناسبت‌های مختلف با پرهیز از جناحی کردن موضوع توافق، هر گونه دستاورد مذاکرات را حاصل هم‌دلی و همکاری همه ارکان نظام معرفی کنند؛ اما واقعیت این است که سازوکار و آرایش فضای سیاسی کشور در آستانه دو انتخابات سرنوشت‌ساز (اسفند ۱۳۹۴) به گونه‌ای بود که مواضع وحدت‌طلبانه در افزایش انسجام اجتماعی و ایجاد فضای آشتی‌جویانه‌تر میان جناح‌های سیاسی کشور تأثیر زیادی نداشت. این‌گونه رویکردها و اساساً وجود اختلاف‌های سیاسی و سلیقه‌ای فی‌نفسه نه تنها امر مذمومی نیست، بلکه از ویژگی‌های جامعه بانشاط و مردم‌سالار به شمار می‌رود، اما اگر این اختلاف‌ها از عرصه اعلام نظر عبور کرده و در عرصه اجرای تصمیمات نیز ادامه یابد، در آن صورت نظام سیاسی نخواهد توانست با اتخاذ تصمیمات به‌موقع و اجرای آن‌ها، میوه‌ای از برجام بچیند. در هر حال باید توجه داشت که در چنین مواردی، فارغ از اینکه کدام‌یک از طرفین محق‌تر هستند، شهروندان عادی که از دانش و تخصص کافی برخوردار نیستند، مایلند با استناد به مواضع مسئولین، درباره مسئله مورد نظر داوری کنند؛ اما با مشاهده تشتت آرا در میان مسئولین، آن‌ها نیز سردرگم خواهند شد.

زمانی که مردم پس از سال‌ها جدال دیپلماتیک بر سر مسئله هسته‌ای و تحمل دشواری‌های حاصل از تحریم‌های مختلف می‌بینند برخی مسئولین کشور آن را «پیروزی بین‌المللی برای دیپلماسی»، «برگی زرین در تاریخ کشور» و «آفتاب تابان» توصیف نموده و در مقابل، همان‌طور که وزیر اطلاعات نیز در جایی اشاره کرده، برخی به جای «نواختن مارش پیروزی» تیم مذاکره‌کننده را خائن و ساده‌لوح می‌نامند (علوی، ۱۳۹۴) یا عنوان ترکمانچای دوم یا قرارداد ۱۹۱۹ را به توافق هسته‌ای اطلاق کرده (آنا، ۱۳۹۴) و آن را مایه ذلت می‌دانند، و یا همان‌طور که در آستانه رأی‌گیری یک فوریت بررسی برجام در صحن علنی مجلس روی داد، پیامک‌هایی به نمایندگان ارسال می‌شود که در آن‌ها، به طور ضمنی، تأیید برجام مخالفت با ولی فقیه و همانند معامله کردن با عمر بن سعد تلقی شود (آرانی، ۱۳۹۴)، اعتماد خود را در کوتاه‌مدت نسبت به یکی از طرفین و در درازمدت نسبت به هر دو طرف از دست خواهند داد.

برجام و همبستگی و مشارکت اجتماعی

برنامه هسته‌ای ایران با فراز و نشیب‌هایی که در طی دو دهه اخیر تجربه کرده، به تدریج از یک طرح علمی و فناوری، به تجلی اراده واحد و هماهنگ در سطوح مختلف ملی، مردمی و حکومتی تبدیل شده و جلوه‌هایی بارز از مشارکت اجتماعی و مدنی را رقم زد. بر اساس اکثر قریب به اتفاق نظرسنجی‌هایی که توسط مؤسسات داخلی و خارجی انجام شده، بیش از ۸۰ درصد (و گاه بیش از ۹۰ درصد) ایرانیان صرف

نظر از ویژگی‌های جنسیتی، شغلی، تحصیلی، مالی و نیز سوگیری سیاسی‌شان، بر اهمیت توسعه برنامه هسته‌ای معتقد بوده و از آن حمایت کرده‌اند.

از همان روزهای آغازین دولت یازدهم و به خصوص به خاطر استفاده وزیر خارجه و برخی دیگر از مقامات اجرایی از قابلیت‌های شبکه‌های اجتماعی برای طرح مواضع نظام، مذاکرات هسته‌ای در صدر موضوعات این شبکه‌ها قرار گرفت. بسیاری از ایرانیان با عضویت در صفحات مربوط به وزیر امور خارجه یا شرکت در کمپین‌های مختلف، حمایت خود را از تیم مذاکره‌کننده اعلام کرده و تمایل خود را نسبت به حل و فصل این موضوع نشان دادند. در واقع، می‌توان گفت مذاکرات هسته‌ای بهانه‌ای بود که ایرانیان سراسر دنیا به طور گسترده احساسات میهن‌دوستانه و عزم خود را نسبت به مشارکت در امور کشور نشان دهند.

از برجسته‌ترین نمونه‌های این مشارکت‌ها، می‌توان به گردهمایی ده‌ها هزار تن از ایرانیان طرفدار توافق هسته‌ای در شهرهای مختلف دنیا نظیر واشنگتن، نیویورک، برلین، پاریس، لندن، هلسینکی و آمستردام اشاره کرد که در تاریخ ۲۴ مرداد ۱۳۹۴ برگزار شد و طی آن، شرکت‌کنندگان از گروه‌های جنگ طلب ایالات متحده و صهیونیست‌ها خواستند به تحرکات خود برای شکست توافق پایان دهند. در مورد مشابهی در اردیبهشت ۱۳۹۵، ایرانیان مقیم ایالات متحده با تجمع در مقابل کاخ سفید حمایت خود را با توافق هسته‌ای و مخالفت با جنگ طلبان آمریکایی اعلام کردند. از دیگر موارد مشابه می‌توان به اعلام حمایت جمعی از مشهورترین ایرانیان فعال در سیلیکون‌ولی اشاره کرد که وجود افراد اثرگذاری نظیر مدیر بخش تجارت گوگل، مدیرکل اکتشافات منظومه شمسی ناسا، معاون سابق بانک سیتی‌گروپ، بنیان‌گذار و مدیرعامل دراپ باکس، مدیرعامل سابق یوتیوب و معاون سابق سیسکو نشان‌دهنده‌ای از همبستگی بالایی ایرانیان مقیم خارج در خصوص سرنوشت کشور بود (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۴).

در کنار مشارکت ایرانیان خارج از کشور، می‌توان به مشارکت شهروندان در داخل ایران اشاره کرد که در هر کدام از فرازهای مذاکرات به چشم می‌خورد. البته همایش‌ها و تجمعات منتقدین و مخالفان مذاکرات هسته‌ای بسیار بیشتر از موافقان توافق بود، و حامیان توافق فرصت نیافتند در تجمع خیابانی به اعلام حمایت از آن مبادرت کنند. در واقع، فعالیت موافقان توافق اغلب به کمپین‌های فضای مجازی محدود می‌شد که میزان آن بسیار گسترده بود. علاوه بر این، تجمعات مخالفان توافق بعضاً بدون مجوز قانونی و یا همراه با ایجاد اختلال در امور عادی جامعه بود. به عنوان مثال، گفته شد که همایشی که در میدان فلسطین تهران برگزار شد، فاقد مجوز قانونی بوده است، هرچند برگزارکنندگان هم لغو مجوز در فاصله چند ساعت مانده به برگزاری را علت ناهماهنگی‌ها می‌دانستند (مهر، ۱۳۹۴-ب). تحصن عده‌ای از طلاب حوزه علمیه قم نیز که در مسجد اعظم علیه توافق هسته‌ای برگزار شد، به دلیل اختلال و تعطیلی کلاس درس آیت‌الله جوادی آملی، واکنش دو تن از علمای برجسته حوزه، یعنی آیات عظام مکارم شیرازی و یزدی (رئیس وقت مجلس خبرگان) را در پی داشت (فرارو، ۱۳۹۴).

جنبه دیگر افزایش مشارکت اجتماعی، به فضای پسابرجام مربوط می‌شود. واقعیت این است که با گشوده‌شدن گره مذاکرات و حل و فصل مسئله هسته‌ای، کشور و نظام می‌تواند بخش بیشتری از ظرفیت‌های خود را در امور سیاسی و اجتماعی داخل کشور صرف کند که نتیجه آن گشایش بیشتر در فضای سیاسی کشور و افزایش مشارکت سیاسی و اجتماعی، و ارتقاء سرمایه اجتماعی است. بدین ترتیب نظام سیاسی خواهد توانست جامعه ایرانی را از فضای هیجانی دور کرده و به سمت مشارکت آگاهانه‌تر سوق دهد که نشانه‌های آن را در حضور پرشور مردم و جناح‌های مختلف سیاسی در انتخابات مجلس خبرگان رهبری و مجلس شورای اسلامی در اسفند ۱۳۹۴ شاهد بودیم.

کاهش زمینه‌های فساد مالی و اداری از دیگر کارکردهای توافق هسته‌ای (در صورت اجرای کامل آن) خواهد بود. تحریم‌های ظالمانه علیه ایران، در عرصه تجارت بین‌المللی محدودیت‌های گسترده‌ای بر کشور تحمیل کرده بود و برای کاستن اثر تحریم‌ها و تهیه نیازهای کشور، چاره‌ای جز دورزدن تحریم‌ها باقی نمانده بود که آن هم ناگزیر با استفاده از رویه‌های غیرمکتوب، غیررسمی، پنهان و غیرشفاف میسر می‌شد، که همگی زمینه‌هایی ایده‌آل برای شکل‌گیری فساد هستند. پرونده‌های متعدد اختلاس گرانی که اغلب در دورزدن تحریم‌ها دخیل بوده‌اند، نشانه‌ای از پیامد تخریبی تحریم‌ها هستند که نابودکننده اعتماد و سرمایه اجتماعی به‌شمار می‌روند. از سوی دیگر، این واقعیت که صرفاً اقلیت کوچکی از شهروندان وجود دارند که هم از توان انجام معاملات پنهان برخوردارند و هم توانسته‌اند اعتماد نظام سیاسی را به خود جلب نمایند، بدان معناست که اکثریت عظیمی از شهروندان از فرصت انجام فعالیت‌های تجاری مزبور محروم هستند. این امر می‌تواند باعث تضعیف یا نابودی حس تعلق اجتماعی - سیاسی شهروندان شده و در مشارکت اجتماعی - سیاسی آنان تأثیر منفی بگذارد. این موضوع هنگامی اهمیت مضاعف می‌یابد که توجه کنیم برخی از این معامله‌گران معتمد یا فرزندان آن‌ها که در نتیجه سودهای حاصل از انجام معاملات پنهان و در مدتی بسیار کوتاه، به ثروت و امکانات مادی فراوان دست یافته‌اند، گاه با نمایش آن در اشکال مختلف نظیر خودروهای بسیار گران‌قیمت، ویلاهای لوکس، مسافرت‌های خارجی و... سایر شهروندان را در خصوص میزان عدالت و برابری در جامعه به تأمل و تردید وامی‌دارند (به عنوان نمونه نک. ایلنا، ۱۳۹۵/۰۶/۱۳؛ مشرق، ۱۳۹۵/۰۳/۱۲).

برجام و سرمایه اجتماعی بین‌المللی ایران

پیشبرد مذاکرات هسته‌ای در عالی‌ترین سطوح دیپلماتیک، علاوه بر اینکه فی‌نفسه موفقیتی بزرگ برای کشوری مثل ایران بود، تقویت جایگاه بین‌المللی کشور را نیز در پی داشت که افزایش ارتباطات و رفت‌وآمدهای دیپلماتیک ایران (نک. شهروند، آبان ۱۳۹۵)، پذیرش بیشتر جهانی در خصوص نقش ایران در مبارزه علیه تروریسم، تقویت جایگاه ایران در افکار عمومی دنیا، افزایش تمایل برای سرمایه‌گذاری

خارجی در ایران، رفع موانع بر سر راه تحصیل ایرانیان در تعدادی از رشته‌های دانشگاهی و اقبال بیشتر گردش‌گران خارجی برای بازدید از ایران، جزو آثار و پیامدهای آن محسوب می‌شود و هر کدام از آن‌ها می‌توانند زمینه‌های پیشرفت و توسعه اقتصادی و فناوری را فراهم کنند.

یکی از الزامات تحقق اهداف سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در جهت تبدیل شدن به قدرت نخست منطقه، دستیابی به رشد اقتصادی ۸ درصدی است که در خلال سال‌های گذشته و به رغم وجود درآمدهای سرشار نفتی محقق نشده است. بر اساس برآوردهای مختلف، دستیابی به رشد ۸ درصدی نیازمند سرمایه‌گذاری سالانه ۷۵۰ هزار میلیارد تومان در اقتصاد ایران است. با مرور روند مذاکرات هسته‌ای یا مواضع فعالان و گروه‌های سیاسی در دوره پس‌برجام، مشاهده می‌کنیم که سخنان برخی از منتقدین توافقی هسته‌ای، ممکن است باعث ایجاد فضای بی‌اعتمادی نسبت به آینده سرمایه‌گذاری در ایران شود. به عنوان نمونه، یکی از مسئولان یک نهاد عمومی، در سخنانی در جمع مسئولین استانی آن نهاد، ضمن اشاره به بازگشت خودکار تحریم‌ها، اظهار کرد: «کدام سرمایه‌دار غربی عاقلی حاضر است در جایی که هر لحظه ممکن است تحریم‌ها برگردد، سرمایه‌گذاری کند» (فارس نیوز، ۱۳۹۴). بدیهی است ایشان این سخنان را در نقد مفاد برجام ایراد کرده است، اما با توجه به اینکه برجام از فاز تصویب گذشته و اکنون در فاز اجرایی است، این‌گونه مواضع ممکن است سرمایه‌گذاران را دچار تردید و بدبینی کند؛ به ویژه اینکه در شرایط کنونی و به رغم تصویب برجام و اجازه مکتوب دولت ایالات متحده به بانک‌ها در خصوص همکاری با ایران، تعدادی از دشمنان و رقبای منطقه‌ای ایران نظیر عربستان سعودی و گروه‌های قدرتمندی در داخل ایالات متحده در عمل با ترویج ایران‌هراسی باعث نگرانی و گریز سرمایه‌گذاران می‌شوند؛ به طوری که مقام معظم رهبری هم طی بیاناتی اشاره صریح یا ضمنی مسئولین آمریکایی درباره تحریم‌های ضد ایرانی را به معنای ترساندن سرمایه‌گذاران خارجی دانستند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵). گزارش‌ها و فیلم‌های مختلفی که در ماه‌های پس از برجام درباره جنبه‌های مثبت جامعه ایران ساخته شده و مورد استقبال جهانیان قرار گرفته، از دیگر نشانه‌های تقویت سرمایه اجتماعی بین‌المللی ایران است. از جمله این فیلم‌ها می‌توان به فیلم «به ایران نروید» اشاره کرد که توسط فیلمساز فرانسوی بنجامین مارتینی ساخته شده و برخلاف آنچه از اسمش به ذهن متبادر می‌شود، با هدف آگاهی‌بخشی به غیرایرانی‌ها و ارائه تصویری واقعی و مثبت از ایران تهیه شده است. فیلم مزبور که در می ۲۰۱۶ در سایت یوتیوب بارگذاری شده، در عرض کمتر از سه ماه، بیش از ۳۴۰ هزار بیننده داشته (Monte-Martini, 2016) که اگر آن را با آمار ارائه‌شده توسط مارشال برای میانگین تعداد مشاهده ویدیوهای مربوط به سفر (حدود ۳ هزار بار) در همان سایت مقایسه کنیم (Marshall, 2015)، می‌توان گفت ۱۰۰ برابر بیشتر از سایر ویدئوها مشاهده شده است. نکته قابل توجه اینکه، اساساً کمتر از ۲ درصد ویدئوهای سایت یوتیوب بین ۱۰۰ تا ۵۰۰ هزار بیننده به خود جلب می‌کند (Frommer & Angelova, 2009). کافی است آمار مربوط به مشاهده این فیلم را،

با فیلم سیاه‌نمای تهیه‌شده توسط پروژه کلاریون^۱ تحت عنوان ایران‌یوم مقایسه کنیم که به رغم تبلیغات بسیار زیاد، رقم بینندگان آن با گذشت چهار سال از انتشار آن در سال ۲۰۱۲، به ۲۰۰ هزار نفر نرسیده است (Clarion Project, 2012).

در همین رابطه می‌توان به فیلم کوتاه دیگری اشاره کرد که تحت عنوان «درون ایران» توسط شبکه اسکای ساخته شده و در عرض یک هفته پس از انتشار در ۲۸ جولای ۲۰۱۶، نزدیک به ۳۳ هزار بیننده داشته است (Sky News, 2016). از دیگر موارد تجلی افکار عمومی جهانیان نسبت به ایران می‌توان به کامنت‌هایی اشاره کرد که توسط کاربران فضای مجازی ذیل اخبار مربوط به ایران در ویسایت رسانه‌ها و خبرگزاری‌های بین‌المللی نظیر رویترز، گاردین و یاهو نیوز درج می‌شوند. با مروری کوتاه بر این کامنت‌ها می‌توان غلبه قاطع دیدگاه مثبت نسبت به ایران را مشاهده کرد که حاکی از موفقیت نظام در اقتناع افکار عمومی جهانیان و شکستن اجماع بر علیه خود است؛ به طوری که تقریباً در همه موارد، ده مورد از کامنت‌هایی که بیشترین امتیاز مثبت را از سوی خوانندگان کسب کرده‌اند، رویکرد مدافعه‌جویانه نسبت به ایران داشته و در مقابل، نسبت به کشورهای نظیر رژیم صهیونیستی که مخالف برجام بوده‌اند، رویکردی انتقادی دارند (به عنوان مثال نک. (Siddiqui, 2015; Agence France-Presse 2015; Kamali Dehghan and Sidahmed, 2016).

بازتاب تقویت جایگاه جهانی ایران در پرشدن ظرفیت هتل‌های ایران نیز قابل مشاهده است؛ چنانکه، رئیس سازمان توسعه تجارت در اوایل مرداد ۱۳۹۵ از حصول ۲/۸۵ میلیارد دلار درآمد ارزی گردش‌گری برای کشور خبر داد که تقریباً به معنای یک میلیون دلار در هر روز است (افخمی، ۱۳۹۵). اگر روند مزبور در کنار رویدادهایی نظیر صدور مجوز پرواز هواپیماهای جدید برای مسافرت به ایران (Reuters, 2016)، تداوم یابد، امید می‌رود ایران بتواند گامی اطمینان‌بخش در جهت اقتصاد مقاومتی و درون‌زا برداشته و بخشی از درآمدهای مورد نیاز خود را از صنعت گردش‌گری جذب نماید. البته، رونق گردش‌گری خواه ناخواه با سایر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی نظیر هماهنگی نهادی، پایداری به قانون و احترام به گردش‌گران خارجی در ایران پیوند خورده است. به عنوان مثال، شهر مشهد سالانه میزبان بیش از یک و نیم میلیون زائر گردش‌گر عربی بود که با توجه به تمکن مالی این دسته از زائران، باعث رونق اقتصادی و گردش‌گری شهر شده بود. با این وصف، در پی حمله خودسرانه به سفارت عربستان در تهران و کنسول‌گری این کشور در مشهد و تخریب روابط دیپلماتیک با این کشور که تبعیت کشورهای کویت و بحرین را نیز به دنبال داشت، سفر زائران و گردش‌گران عربی به مشهد به شدت کاهش یافت؛ به طوری که بنا به گفته رئیس اتحادیه هتل‌داران مشهد، در حال حاضر فقط ۲۰ درصد از آن تعداد برای زیارت و گردش به مشهد سفر می‌کنند (قانع، ۱۳۹۵). رویداد مزبور بیانگر این واقعیت است که پایداری به قانون و تضعیف عملکرد نهادهای مسئول، نه تنها به تضعیف سرمایه اجتماعی بین‌المللی (حتی در میان مسلمانان) منجر می‌شود،

1. Clarion Project

بلکه پیامدهای منفی گسترده کوتاه‌مدت یا درازمدتی نیز برای اقتصاد در بر دارد. از دیگر مصادیق شکست اجماع جهانی علیه ایران می‌توان به موضع رئیس جمهور ایالات متحده اشاره کرد که در مصاحبه‌ای با جفری گلدبرگ، ضمن اشاره به رقابت منطقه‌ای ایران و عربستان سعودی، از این دو کشور خواست شیوه‌ای مؤثر برای شراکت در منافع منطقه‌ای بیابند (Goldberg, 2015). اگر مواضع پیشین رؤسای جمهور ایالات متحده را در نظر آوریم که با هر بهانه‌ای از تغییر نظام در ایران سخن می‌راندند، اهمیت این موضع‌گیری روشن‌تر می‌شود؛ چیزی که ترکی الفیصل، رئیس پیشین دستگاه امنیتی سعودی و سفیر سابق آن در واشنگتن را واداشت تا طی نامه‌ای، به او یاما یادآوری کند که از برخورد برابر با دوست ۸۰ ساله خود (عربستان سعودی) و کشوری که آمریکا را بزرگترین دشمن خود می‌داند، اجتناب کند. البته در این میان باید این واقعیت تلخ را نیز یادآور شد که به رغم نتایج مثبت برجام نظیر تأیید صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران و مختمه‌شدن پرونده ابعاد احتمالی نظامی (که مبنای بسیاری از تحریم‌های ظالمانه علیه ایران بود)، ایران نتوانست آن‌طور که شایسته بود از آن برای ایجاد موج تبلیغاتی جهانی برای تأکید بر حقانیت و مظلومیت ایران و محکومیت عاملان تحریم‌ها استفاده کند که شاید مشغول‌شدن دولت و دستگاه دیپلماسی به اقناع مخالفان و منتقدان داخلی از مهم‌ترین علت‌های آن باشد. همچنین، باید تصدیق کرد که آثار نامطلوب تخریب روابط دیپلماتیک و تضعیف جایگاه ایرانیان هنوز در بسیاری از عرصه‌های بین‌المللی مشهود است که یکی از نمونه‌های آن که مردم به طور مستقیم با آن درگیرند، برخورد نه‌چندان مناسب سفارتخانه‌های خارجی با ایرانیان متقاضی ویزاست؛ به طوری که یکی از اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی را بر آن داشت در جلسه این شورا در این خصوص به رئیس جمهور یازدهم گلایه نماید (گلشنی، ۱۳۹۵).

نتیجه‌گیری

برجام فرصتی را فراهم آورده که جامعه ایرانی و نظام جمهوری اسلامی می‌تواند با استفاده از دستاوردهای آن و تجارب حاصل از آن، گام‌های بلندی در راستای ارتقاء سرمایه اجتماعی در کشور بردارد. همان‌طور که در خلال مطلب مشاهده شد، شهروندان ایرانی، نظیر بسیاری از موارد، با درک موقعیت تاریخی، توانستند با استفاده از روابط اجتماعی که عمدتاً از طریق شبکه‌های مجازی تحقق پیدا کرد، توانان همبستگی اجتماعی را تقویت کرده و به شکل‌گیری زمینه‌های توافق کمک کنند. در این میان، به نظر می‌رسد دستگاه‌های دولتی و حکومتی بنا به دلایلی که در خلال مطلب ذکر شد و مهم‌ترین آن درگیرشدن در فرایند اجرای برجام یا اقناع گروه‌های مخالف یا منتقد برجام بود، نتوانسته‌اند به نحو شایسته از دستاوردهای برجام برای تقویت سرمایه اجتماعی استفاده کنند. در مقابل، مخالفان و منتقدان برجام با استفاده از وضعیت رکود اقتصادی و از طریق تریبون‌هایی که در اختیار دارند، در تلاش

بوده‌اند تا جایی که ممکن است، هر گونه دستاورد حاصل از برجام را منتفی دانسته و حتی نتیجه مذاکرات هسته‌ای را در حد نوعی خیانت ارزیابی کنند تا جایی که برخی از مخالفان برجام به کنایه از آن تحت عنوان «زهرجام» یاد کرده‌اند (ایسنا، ۱۳۹۵/۰۴/۲۷). نتیجه موضعی که این چنین در تناقض با هم هستند، چیزی جز القای یأس به جامعه و فرسایش اعتماد عمومی به نهادهای حاکمیتی نیست.

واقعیت این است که مذاکرات هسته‌ای در شرایطی خاص انجام و به نتیجه رسید که ایران تحت شدیدترین فشارهای اقتصادی و سیاسی بین‌المللی قرار داشت. بدیهی است در صورت فراموشی عمدی یا سهوی زمینه‌ها و اهداف اولیه هر پروژه‌ای، بررسی دستاوردهای آن صرفاً در مقوله گمانه‌زنی‌های فردی و غیرتخصصی قرار گرفته و راه‌گشا نخواهد بود. سرمایه اجتماعی به سرعت تخریب می‌شود، اما بازسازی آن بسیار زمان‌بر است. به نظر می‌رسد تیم رسانه‌ای دولت باید به صورت متمرکزتر، هوشمندانه‌تر و خلاقانه‌تر امر ترمیم اعتماد عمومی به نهادهای حاکمیتی و به ویژه دولت را به صورت جدی در دستور کار خود قرار دهند. در این زمینه، دولت باید تلاش کند شهروندان تصویر روشنی از وضعیت پیش‌برجام ایران نظیر تحریم‌های کمرشکن و رو به رشد، گرانی‌های مستمر کالاها و خدمات، افزایش چند برابری قیمت ارزهای خارجی و طلا و... در ذهن داشته باشند. همچنین، باید عواملی نظیر فاصله گرفتن ساختارهای مالی و بازرگانی ایران از فناوری و دستورات عمل‌های نوین جهانی و نیز زمان‌بر بودن روند احیای اعتماد جهانی میان ایران و کشورها و شرکت‌های خارجی که در خلال سال‌های اخیر در نتیجه تحریم‌ها مخدوش شده، به صورت روشن برای مردم توضیح داده شود.

تأکید بسیاری از مقامات دولتی مبنی بر رفع فوری همه تحریم‌ها پس از برجام بدون تصریح بر این نکته که بخش قابل توجهی از تحریم‌ها به برنامه هسته‌ای مربوط نبوده و لغو نخواهند شد، باعث شکل‌گیری انتظارات گسترده‌ای شده که به این زودی‌ها تحقق نخواهند یافت. اطلاع‌رسانی درباره ماهیت و مؤلفه‌های دقیق و واقعی برجام و نیز سازوکار عملی رفع تحریم‌ها، حتی اگر به قیمت اعتراف صریح به برخی اشتباهات اولیه هنگام تبلیغ و تصویب برجام باشد، گامی ضروری برای کاستن از این انتظارات غیرواقعی است. واقعیت این است که گروه‌های فشار داخلی و خارجی و کشورهایی که در خلال مذاکرات همه تلاش خود را برای شکست مذاکرات یا کمینه کردن امتیازات ایران انجام دادند، در مرحله اجرا نیز دست از تلاش برنخواهند داشت. بنابراین، ارزیابی دقیق از دستاوردهای برجام و کارنامه دولت یازدهم و حفظ اعتماد نهادی مردم به دولت و نظام با تعدیل انتظارات مردم ممکن خواهد شد که آن هم صرفاً از طریق آگاهی‌بخشی سریع، دقیق و نظام‌مند از ماهیت برجام میسر می‌شود.

منابع

آرانی، منصور (۱۳۹۴) پیامک‌های تهدیدآمیز زیادی به نمایندگان می‌رسد:

<http://www.khabaronline.ir/detail/466910>

آنا (۱۳۹۴) دانشجویان دلواپس: توافق هسته‌ای، قرارداد ۱۹۱۹ است؛ مدرس‌ها کجایند؟

<http://www.ana.ir/news/46929>

آی‌پوز (شهریور ۱۳۹۴) توافق هسته‌ای: ۷۶ درصد موافق، ۳ درصد مخالف:

<https://www.ipos.me/polls/2015/09/15/nuclear-deal>

آی‌پوز (خرداد ۱۳۹۴) حمایت اکثر ایرانی‌ها از توافق هسته‌ای و رابطه با آمریکا:

<https://www.ipos.me/polls/2015/06/23/nuclear-deal>

آی‌پوز (۱۳۹۳) حمایت از توافق هسته‌ای: ۸۶ درصد:

<https://www.ipos.me/polls/2014/11/23/nuclear-deal>

<http://www.isna.ir/news/95050107044>

افخمی، ولی‌الله (۱۳۹۵)، ایسنا:

انتخاب (فروردین ۱۳۹۴) تحریم‌های ایران پس از توافق نهایی در چند مرحله لغو خواهد شد:

<http://www.entekhab.ir/fa/news/198275>

<http://www.isna.ir/news/95040115932>

ایسنا (۱۳۹۵/۰۴/۲۷) زهرجام را پذیرفته‌ایم:

ایران (خرداد ۱۳۹۴) روایت مصادره سیاسی مراسم تشییع غواصان شهید:

<http://iran-newspaper.com/Newspaper/BlockPrint/69076>

ایلنا (۱۳۹۵/۰۶/۱۳) رنگ پارتی؛ تفریح جدید جوانان پولدار پایتخت:

<http://www.ilna.ir/fa/tiny/news-407544>

ایوبی مهرریزی، حسین (۱۳۹۵)، مصاحبه با روزنامه ایران، شماره ۶۲۵۹، مورخه ۲۳ تیر ۱۳۹۵، ص. ۶۱.

بروجردی، علاءالدین (۱۳۹۴) با گزارش بد کمیسیون برجام، ضربه بدی به کشور زدند:

<http://www.isna.ir/news/94071710956>

تابناک (خرداد ۱۳۹۴) جزییات ماجرای مشاجره کوچک‌زاده و ظریف در مجلس:

<http://www.tabnak.ir/fa/news/503006>

توکلی، احمد و محمد جواد ظریف (۱۳۹۴) صریح و محترمانه درباره برجام:

<http://alef.ir/vdcdf0skyt0zs6.2a2y.html?301345>

<http://jomhourieslami.com/news.php?id=65746> جمهوری اسلامی (مهر ۱۳۹۴) جهت اطلاع:

خوانساری، مسعود، (۱۳۹۴) کاهش ۲۵ میلیارد دلاری هزینه مبادلات تجاری ایران پس از لغو تحریم:

<http://www.tasnimnews.com/fa/news/1394/04/24/800145>

دنیای اقتصاد (۱۳۹۴) حمایت از توافق در «سیلیکون ولی»:

<http://donya-e-egtesad.com/news/912122>

روحانی، حسن (خرداد ۱۳۹۵) وجوه به‌ناحق پرداخت‌شده به بیت‌المال مسترد و مدیران متخلف عزل شوند:

<http://www.isna.ir/news/95031713440>

سازمان بورس و اوراق بهادار (۱۳۹۴) گزارش‌های آماری ماهانه:

<http://rdis.ir/MonthlyReport.asp>

<http://kayhan.ir/fa/news/52516>

شریعتمداری، حسین (۱۳۹۴) تنها گزینه پیش روی:

شهروند (آبان، ۱۳۹۵) هر ۳۵ روز یک رئیس‌جمهوری در ایران:

<http://shahrvand-newspaper.ir/News:NoMobile/Main/78688>

صالحی، علی اکبر (۱۳۹۴) واکاوی اظهارات دو مقام پیشین هسته‌ای در کمیسیون برجام:

<http://www.isna.ir/news/94061812034>

صدیقی، آیت‌الله کاظم (۱۳۹۴): انتقاد خطیب جمعه تهران از نادیده‌گرفتن گزارش کمیسیون برجام در مجلس:

<http://www.tasnimnews.com/fa/news/1394/07/17/883545>

فارس‌نیوز (۱۳۹۴) فکر می‌کردیم تکنولوژی موتور بوئینگ را می‌آوردند اما مک‌دونالد آوردند:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13940518000787>

فرارو (۱۳۹۴) واکنش علما به تحصن طلاب منتقد توافق اتمی:

<http://fararu.com/fa/news/249018>

قانعی، محمد (۱۳۹۵) حمله به کنسولگری عربستان، شوک به اقتصاد مشهد بود:

<http://www.ilna.ir/fa/tiny/news-401956>

عراقچی، سید عباس (مرداد ۱۳۹۴) انتشار مطالب جلسه خصوصی با صدا و سیما مغایر با منافع و امنیت ملی است:

<http://www.isna.ir/news/94051105735>

عصر ایران (۱۳۹۴) نظرسنجی یک موسسه نزدیک به اصولگرایان:

<http://www.asriran.com/fa/news/418248>

علوی، سید محمود (۱۳۹۴) دولت در مذاکرات هسته‌ای از تاکتیک امام حسین (ع) بهره گرفت:

<http://www.isna.ir/news/94080300850>

گلشنی، مهدی (۱۳۹۵) پیگیری بی‌احترامی‌های سفارت آلمان به استادان دانشگاه:

<http://alef.ir/vdccc04q142bqmp8.ala2.html?378548>

مقام معظم رهبری (۱۳۹۵) بیانات در دیدار کارگران:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=32920>

مقدم‌فر، حمیدرضا (۱۳۹۴) انتقاد مشاور فرهنگی فرمانده سپاه از شریعت‌مداری:

<http://www.entekhab.ir/fa/news/221106>

مشرق (۱۳۹۵/۰۳/۱۲) فخرفروشی بچه‌پولدارهای اینستاگرامی:

<http://www.mashreghnews.ir/fa/news/582807>

مهر (خرداد ۱۳۹۴ - الف) «آب خوردن» چه ربطی به تحریم دارد؟

<http://www.mehrnews.com/news/2770637>

مهر (خرداد ۱۳۹۴ - ب) تجمع هسته‌ای دانشجویان در میدان فلسطین تهران برگزار شد

<http://www.mehrnews.com/news/2758451>

Adam, Frane and Borut Rankevich (2003) Social Capital: Recent Debates and Research Trends,

Social Science Information, Vol. 42, No. 2, 155-188.

Agence France-Presse (2015) Hillary Clinton: Iran Will Never Get a Nuclear Weapon on My

Watch, <https://www.theguardian.com/world/2015/jul/15/hillary-clinton-iran-will-never-get-a-nuclear-weapon-on-my-watch>

Clarion Project (2012) Iranium: The Islamic Republic's Race to Obtain Nuclear Weapons: [https://](https://www.youtube.com/watch?v=t4IDy-0CJbE)

www.youtube.com/watch?v=t4IDy-0CJbE

Farr, James (2004) Social Capital: A Conceptual History, **Political Theory**, Vol. 32, No. 1, 6-33.

Frommer, Dan & Kamelia Angelova (2009) Chart of the Day: Half Of YouTube Videos Get

Fewer Than 500 Views: <http://www.businessinsider.com/chart-of-the-day-youtube-videos-by-views-2009-5>

Gambetta, Diego (2002) Corruption: An Analytical Map, in Stephen Kotkin and Andras Sajo

(eds), **Political Corruption in Transition: A Skeptic's Handbook**, Budapest: CEU Press.

Goldberg, Jeffrey (2015) The Obama Doctrine (series of interviews): [http://www.theatlantic.com/](http://www.theatlantic.com/magazine/archive/2016/04/the-obama-doctrine/471525/)

[magazine/archive/2016/04/the-obama-doctrine/471525/](http://www.theatlantic.com/magazine/archive/2016/04/the-obama-doctrine/471525/)

Haslam Ian R. et al (2013) **Large Scale School Reform and Social Capital Building**, New York:

Routledge.

Iranpoll (2016) New Poll of the Iranian People on the Anniversary of Nuclear Deal (JCPOA):

<http://www.iranpoll.com/blog/jcpoa>

Kamali, Dehghan, Saeed and Mazin Sidahmed (2016) Trump Attacks Clinton on 'Scandal' of

US Paying \$400m to Iran after Nuclear Deal: <https://www.theguardian.com/us-news/2016/aug/03/trump-attacks-clinton-scandal-us-400-million-iran-nuclear-deal>

Legatum (2015): <http://www.prosperity.com/>

- Marshall, Carla (2015) <http://tubularinsights.com/average-youtube-views>
- Monte-Martini, Benjamin (2016) Don't Go Iran: https://www.youtube.com/watch?v=nbjVrm6XS_A
- Ostrom, Elinor and T.K. Ahn (2009) "The meaning of social capital and its link to collective action" in **Handbook of Social Capital**; Edited by Gert Tinggaard Svendsen and Gunnar Lind Haase Svendsen, Cheltenham: Edward Elgar.
- Putnam, Robert D. (1995) Bowling Alone: America's Declining Social Capital, **Journal of Democracy** 6:1, Jan 1995, 65-78.
- Reuters (2016) U.S. allows American-made planes to be flown to Iran: <http://www.reuters.com/article/us-iran-usa-aviation-idUSKCN1092KM>
- Siddiqui, Sabrina (2015) Why Republican Promises to Scrap Iran Nuclear Deal May Not Be Met: <https://www.theguardian.com/world/2015/jul/21/iran-nuclear-deal-why-republican-promises-scrap-may-not-be-met>
- Sky News (2016) Inside Iran: Special Report: <https://www.youtube.com/watch?v=0WqbqwJczD8>
- Uslaner, Eric M. (2008), **Corruption, Inequality, and Trust: The Bulging Pocket Makes the Easy Life**, New York: Cambridge University Press.
- Walgrave, Stefaan and Dieter Rucht (2010) **The World Says No to War: Demonstrations against the War on Iraq, Social Movements, Protest, and Contention**, London: University of Minnesota Press.